

بیاید تا در اول ماه مه (روز جهانی کارگر) اعلام کنیم

ما انسانیم. شایسته يك زندگى متفاوت. شایسته بهره مند شدن از روابطى آزاد از ستم و زور و تبعیض. شایسته تعیین سرنوشت خویش.

ما انسان های محرومیم. انسان هایی که از صبح تا شب زحمت می کشیم اما هر روز فقیرتر و پر دردمتر می شویم. ما اکثریت جامعه ایم، اما حاصل کار و تلاش مان نصیب گروهی کوچک می شود که نظام بهره کشی سرمایه داری را می چرخانند و صاحب دولت و اسلحه و دادگاه و زندانند.

ما انسانیم. در اسم، شهروند و در واقعیت موجودی درجه دوم. ما ارزش می آفرینیم و ارزشمندیم اما در نگاه سرد و بیرحم نظام حاکم و ایدئولوژی ارتجاعی اش، بی ارزش به حساب می آیم. انرژی و نیرویی محسوب می شویم که مثل سوخت ماشین هر روز باید مصرف شود. گوسفندانی محسوب می شویم که محتاج چوپانند، صغیرهایی که محتاج قیم اند. حاکمان با حراست و بسیج و سپاه و اطلاعات و نیروی انتظامی، با دین و آخوند و خرافه، با زهر پدرسالاری و مردسالاری، با تفرقه افکنی و تحقیر ملی، با چماق رساته ملی، ما را در بند نگه می دارند و به جان هم می اندازند.

ما زحمتکشیم. از کوره های داغ ذوب فلز تا کارگاه های قالبیافی، از دستگاه پرس تا راهروهای درمانگاه، از حجره ها و انبارهای بازار تا کشتزارهای نیشکر، از آشپزخانه و مهد کودک و کار خانگی تا سالن های عظیم ماشین سازی و.....

ما کارگریم. زن و مرد. لایق دانستن اسرار بی پایان کائنات. لایق رها شدن از افسانه آفرینش و توهم قدرت ناموجود آسمانی. لایق فهمیدن دنیا. لایق تغییر خود و تغییر شرایط حاکم. لایق بیدار شدن، متحد شدن، شورش کردن. لایق برچیدن بساط حاکمان جلاد و استثمارگر. که باید جامعه نو را بسازیم و دولت نوین را اداره کنیم. که باید قانونی پیشرو بنویسیم. انقلابی واقعی، ریشه ای و مردمی انجام دهیم. و جامعه را تا محو طبقات، تا خشکاندن ریشه ستم طبقاتی، جنسیتی، ملی و نژادی و مذهبی به هر شکل و هر درجه، دانا دگرگون کنیم.

ما در برابر نظام استثمار سرمایه داری قد علم کرده ایم. نظامی که میراث سنگین هزاران سال جامعه طبقاتی را در انبان دارد. در هم شکستن نظام سرمایه داری و خلاص شدن از این میراث سنگین، در گرو در هم شکستن زنجیرهای ریز و درشتی است که نیمی از جامعه انسانی یعنی زنان را از روز نخست شکل گیری جامعه طبقاتی به بند کشیده است. ما عمق دشمنی خود با نظام طبقاتی را با مبارزه پیگیر با ستم جنسیتی، نه فقط امروز که در سراسر مسیر طولانی سوسیالیسم به سوی کمونیسم جهانی، محکم می زنیم.

ما نسل از پی نسل ستم دیده ایم و مبارزه کرده ایم. گاه پیشروی کرده ایم و گاه شکست خورده ایم. گاه از دروغ و توهم دل بریده ایم و گاه به امید روزگاری بهتر دنبال وعده و وعیدهای پوچ افتاده ایم. و بارها به تجربه دیده ایم که نظام سرمایه داری را نمی توان به نفع محرومان و ستمدیدگان اصلاح کرد. دیده ایم که تا نظام و دولت سرمایه داران بر سر کار است، وضع طبقات محروم و محکوم همین است که هست.

تا سرمایه داری وجود دارد، جامعه انسانی اسیر روابط کهنه و غیر منطقی و استثمارگرانه باقی خواهد ماند. تا سرمایه داری وجود دارد، باورها و ارزش ها و عقاید کهنه و سنتی در اعماق جامعه ریشه

خواهد دواند و راه اتحاد آگاهانه و رهایی نوع بشر را سد خواهد کرد. تا سرمایه داری وجود دارد، ماشین کشتار جنگی و سلطه و تجاوز امپریالیستی و ارتجاعی، بساط سانسور و حبس و شکنجه و اعدام، و جهنم فقر و فلاکت و گرانی و بیکاری و بی حقوقی پا برجاست.

پیش از ۳۱ سال است که ما اسیر یک رژیم استبداد مذهبی هستیم: جمهوری اسلامی. رژیمی سرمایه داری که عبای آخوند و اونیفورم سردار و رخت میلیاردهای دولتی و خصوصی را به تن کرده است. این ها شیره جان ما را می مکند، درآمدهای نفت و گاز و منابع کشور را می بلعد، مثل کرم در بازار بورس و بانک و محافل دلالی و نوکری برای سرمایه داری جهانی می لولند و سود به جیب می زنند. اقتصاد در رونق باشد یا در رکود، بحران زده باشد یا متعادل، بهای نفت کم باشد یا زیاد، در هر حالت سودشان را می برند. اما آنچه نصیب ما می شود، کابوس دائمی بیکار شدن است و نبود امنیت شغلی، فشارهای جسمی و روحی است، و بدبختی های اجتماعی از تن فروشی گرفته تا اعتیاد و خودکشی.

در این ۳۱ سال هر بار جرات کردیم، بر سر خواسته های بر حق مان متحد شدیم و دست به اعتراض و اعتصاب و تظاهرات زدیم، مبارزان و رهبران آگاهمان را گرفتند و به زندان انداختند. برایمان پرونده درست کردند و از کار بیکارمان کردند.

این ها ما را از حق ایجاد تشکل های مستقل، از حق آزادی بیان و حق اعتصاب، محروم نگه داشتند. قانون کار را منطبق بر منافع نظام سرمایه داری و سرمایه داران نوشتند و به اجراء گذاشتند. و هر زمان که گوشه ای از این قوانین و مقررات، دیگر منافعشان را خوب و سریع تامین نمی کرد، آن را “تصحیح” کردند.

این ها هر روزه ای که بلد بودند به گوش جامعه خواندند تا باور کنیم “این دنیا ارزشی ندارد” و باید به فکر آخرت بود. تا باور کنیم “شاید این جمعه بیاید شاید...” تا باور کنیم یک نیروی ترسناک آسمانی که این رژیم نماینده بر حق آن بر روی زمین است همه اعمال و رفتار ما را زیر نظر دارد و جواب طاعات مان را با بهشت و گناهانمان را با آتش جهنم می دهد. تا خیال کنیم هر آنچه بر سرمان می آید قسمت است و قضا و قدر. پس باید همیشه مطیع و تسلیم نظام اسلامی و رهبرانش باشیم و فکر شورش را از سر بیرون کنیم.

این ها برنامه های شبانه روزی شستشوی مغزی را از منبر، صدا و سیما” و مساجد به اجراء گذاشتند.

این ها احکام و ارزش های کهنه و مردسالارانه و ضد زن را بر قانون مدنی کشور حاکم کردند. بردگی زنان را ترویج کردند و باعث شدند که خشونت علیه زنان در خانواده ها چند برابر شود. به مردان جامعه از تمامی قشرها و طبقات اعلام کردند که شما از برتری قانونی و شرعی نسبت به زنان برخوردارید و فقط در رژیم اسلامی است که می توانید از این امتیاز به نحو احسن استفاده کنید.

این ها برای فریب مردم و دور کردن فکر انقلاب از ذهن جامعه، انتخابات فرمایشی و استصوابی به راه انداختند. کوشیدند مردمی را که هیچ منفعتی در ادامه موجودیت این رژیم و جناح های مختلف و نمایندگان سیاسی اش ندارند به نفع این یا آن نامزد به پای صندوق های رای بکشانند.

این ها کارگران و زحمتکشان مهاجر افغانستانی را در بی حقوقی کامل، وحشیانه در شهر و روستا استثمار کردند و با تبلیغات منظم و کج نمایی های عمدی کوشیدند بین کارگران و مردم ایران با همزنجیران و همسرنوشتان شان تفرقه و دشمنی ایجاد کنند.

این ها مدتی به بهانه تحریم اقتصادی خارجی و جنگ با عراق، و بعد هم به خاطر اجراء سیاست “تعديل اقتصادي” که فرمان “صندوق بين المللی پول” و “بانک جهانی” برای اقتصادهای وابسته دنیا است، ما را در منگنه فلاکت و فقر فشردند. ادامه جنایات روزمره و تدریجی نظام، قطع یارانه هاست. تا در زیر خط فقر،

پایین و پایین تر برویم. تا مزد ناچیزی که می گیریم در جنگ با غول گرانی، لاغرتر و بی ارزشتر از آنچه هست شود. «همت مضاعف و کار مضاعفی» که می گویند، اسم رمز «استثمار مضاعف» است.

حالا دوران خیزش نوین مردم آغاز شده است. حاکمان کودتاگر ممکنست با تهدید و سرکوب و قتل بعضی را بترسانند یا برای مدتی مبارزات خیابانی را فرو نشانند و گروهی را دلسرد و ناامید کنند، اما از پس حل تضادها و دردهای بزرگی که ریشه در اعماق جامعه و نظام حاکم دارد بر نمی آیند. نمایندگان «سبز» این نظام ضد مردمی که امروز مغضوب و ضعیف شده اند، ممکنست بخش هایی از مردم معترض را برای مدتی به دنبال فریب و توهم «تغییر و اصلاح رژیم از درون» و «راه های مسالمت جویانه» بکشانند، اما در پاسخ به دگرگونی های اساسی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی که نیاز عاجل جامعه است به لکننت می افتند. در هر حالت، کلید تغییر نزد ما است. جواب نهایی هم باید از زبان ما شنیده شود که آیا می خواهیم و می توانیم این وضع را عوض کنیم یا نه؟ آیا می خواهیم و می توانیم جبهه های گوناگون نبرد ضد رژیمی را به گرد چند خواسته مرکزی و چندین خواسته مهم و ریشه ای بکشاییم و به هم مرتبط کنیم؟ آیا می خواهیم و می توانیم در مقابل احزاب نظم که نماینده و مدافع نظام حاکمند و احزاب اصلاحات که می خواهند بین مردم و نظام نقش واسطه بازی کنند، زیر پرچم حزب انقلاب اجتماعی - حزب انقلابی کمونیستی - متحد و متشکل شویم؟ آیا در روزهایی که چشم جامعه به سیاست و مبارزه سیاسی و قدرت سیاسی دوخته شده، می خواهیم و می توانیم پرچم نبرد سیاسی پیگیر و عمیق و نقشه مند را به دوش بگیریم؟ آیا می خواهیم و می توانیم برنامه دگرگونی واقعی و قانون اساسی مردمی را در برابر زحمتکشان و ستمدیدگان جامعه قرار دهیم و همه کسانی که از ستم طبقاتی و جنسیتی و ملی و مذهبی در رنجند را برای تحقق چنین برنامه ای متحد کنیم؟

سرنوشت جامعه مستقیما ربط دارد به پاسخی که ما به همه این ها خواهیم داد. این ها کارهای بزرگی است که انجامشان در گرو داشتن دید روشن و دوراندیشی و شجاعت است. این ها کارهای عمیقی است که با دل بستن به دعوای جناح های جمهوری اسلامی و امید بستن به وعده های سران سبز یا هر نیروی طبقاتی دیگری که نمی خواهد پا را از دایره نظام سرمایه داری و نظم جهانی موجود بیرون بگذارد، هیچگاه عملی نخواهد شد. این ها کارهای انقلابی منظم و به هم پیوسته ای است که با کوتاه بینی های اصلاح طلبانه و توقعات کوچک و چانه زنی های اقتصادی و رفاهی برای «فروش با صرفه تر نیروی کار در بازار سرمایه داری» کلید نخواهد خورد.

ما کارگریم. زن و مرد. با خواسته هایی که ویژه جمع کارگران است. با خواسته هایی که بازتاب تفاوت ها و تمایزهای جنسیتی، رده بندی مشاغل و رشته کارها و نوع کار در میان بخش های مختلف کارگران است. با خواسته هایی بر حق که هرکدام موضوع مبارزه کارگری است یا می باید باشد:

حق تشکیل سندیکا و هر تشکل مستقل کارگری دیگر،

حق اعتصاب،

انحلال نهادهای ضد کارگری و جاسوسی و سرکوبگر در محیط های کار.....

اضافه دستمزد و پرداخت حقوق معوقه، لغو

قراردادهای موقت،

لغو کار کودکان،

منع بیکارسازی و بازخرید اجباری،

حق کار انسانی برای همگان در شرایط مناسب و با دستمزد مناسب،

برخورداری از بیمه درمانی و حق بیکاری و بازنشستگی مناسب،

پرداخت دستمزد برابر به ازای کار برابر به زنان و مردان کارگر،

لغو قانون حذف یارانه ها که نتیجه ای جز فقر مضاعف برای اکثریت توده های مردم ندارد،

بخشی از خواسته های ما کارگران، همان خواسته های عمومی توده های مردم است:

آزادی بیان و ابراز عقیده و تشکل و تجمع و اعتراض،

لغو سانسور و آزادی فعالیت روشنفکری و علمی، فرهنگی و ادبی و هنری،

آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی،

جدایی دین از دولت،

لغو قوانین و مقررات کهنه مردسالارانه و پدرسالارانه و ضد زن،

منع تبعیض ملی و مذهبی در عرصه های فرهنگی و اقتصادی و اداری و حقوق شهروندی،

منع شکنجه و لغو مجازات اعدام.....

ما تحقق منافع و خواسته های اساسی طبقه کارگر و توده های زحمتکش و ستمدیده را در گرو سرنگونی نظام حاکم و رژیم استبداد مذهبی می دانیم. این سرنگونی، خواسته های زیر را که مردم ایران با اشتیاق به دنبالش هستند تحقق خواهد بخشید:

انحلال نهادها و نیروهای سرکوبگر نظامی و اطلاعاتی،

محاكمه و مجازات آمران و عاملان کشتارها و تجاوزها در طول حیات جمهوری اسلامی،

محاكمه و مجازات کسانی که حقوق مردم را در هر زمینه ای لگد مال کرده اند و منابع و ثروت های کشور را غارت کرده اند و به حراج گذاشته اند و.....

ما بخشی از یک طبقه جهانی هستیم. طبقه ما نیرویی مادی و پویا در بطن جهان سرمایه داری

است که با آرمان مشترک دنیای کمونیستی، با رسالت مشترک رهایی نوع بشر از هر گونه استثمار و ستمگری، با برنامه مشترک ایجاد دولت های نوین انقلابی و انجام انقلاب سوسیالیستی، با نگرش علمی ماتریالیستی دیالکتیکی، و ایده مشترک همبستگی انترناسیونالیستی، انسجام و هویت واحد پیدا می کند.

بیا بید تا در اول ماه مه (روز جهانی کارگر) اعلام کنیم که:

با کارگران و ستمدیدگان دنیا، با میلیاردها زن و مرد دیگر، سرنوشت مشترکی داریم. رسالت مشترکی داریم. اگر به منافع طبقاتی خود آگاه شویم، اگر دانش تغییر جامعه را فراگیریم، اگر ابزار لازم برای انقلاب کردن و پیروز شدن و ساختن جامعه نو را بسازیم و بر مسیر انقلاب پایدار بمانیم، دنیا را عوض خواهیم کرد و تاریخ را به خط خود خواهیم نوشت.

جمعی از فعالین کارگری (jafk)

کارگران کمونیست ایران (CWI)